



دقت و شباهت فرضی با استفاده از ارتباطات مختلف در سطوح مختلف تحلیل در برداشت های نخستین شخصیت

حامد شاکریان^۱، زهرا زارع^۲

^۱ دانشجوی دکتری تخصصی، رشته مدیریت صنعتی، گروه مدیریت، دانشکده اقتصاد، حسابداری و مدیریت، دانشگاه آزاد اسلامی، تبریز، آذربایجان شرقی، ایران

h.shakerian.h@gmail.com

^۲ فارغ التحصیل کارشناسی ارشد، رشته آموزش زبان انگلیسی، گروه زبان های خارجه، دانشکده علوم انسانی، دانشگاه علم و هنر، یزد، ایران

zare.zahra213@gmail.com

چکیده:

دقت و طرفداری در برداشت های بین فردی، بطور حسی یک اقدام متقابل انحصاری همراه با برداشت های طرفدارانه تر به نظر می رسند که بر دقت کمتر دلالت دارند. در واقع، دقت و طرفداری از شباهت فرضی در برداشت های شخصیت در زمانی که در میان ویژگی ها سنجیده می شوند، از رابطه معکوس برخوردارند. مجموع ۱۱۵۷ دانشجوی لیسانس دانشگاه ویسکانسیس (۷۶۷ دختر، ۳۸۸ مرد و ۲ نفر با جنسیت نامشخص) در تبادل اعتبار دوره نسبی شرکت کردند. شرکت کنندگان در گروه های کوچک، کلیپ های ویدیویی پنج دقیقه ای هفت هدف را در کامپیوترهای شخصی دیدند.

کلمات کلیدی:

دقت و شباهت فرضی، ارتباطات مختلف، سطوح مختلف تحلیل، برداشت نخستین شخصیت

مقدمه :

دقت و طرفداری در برداشت های بین فردی ، بطور حسی یک اقدام متقابل انحصاری همراه با برداشت های طرفدارانه تر به نظر می رسند که بر دقت کمتر دلالت دارند. در واقع ، دقت و طرفداری از شباهت فرضی در برداشت های شخصیت در زمانی که در میان ویژگی ها سنجیده می شوند ، از رابطه معکوس برخوردارند. (beer & Watson, 2008). یعنی ، برای یک ویژگی مشخص مثل برونگرایی ، در صورتی که دقت بالا باشد ، شباهت فرضی تمایل دارد تا کم باشد. در نتیجه ، این یافته به ما در مورد این که چگونه این پروسه ها در میان درک کننده ها معلوم می شوند ، آگاهی نمی دهد - در صورتی که یک فرد بطور کلی تمایل دارد تا به دقت به دیگران نگاه کند ، آیا آن فرد ضرورتاً دیگران را با شباهت فرضی کمتر می نگرد ؟ پژوهش پیشرو می سنجد که چگونه دقت و شباهت فرضی در میان ویژگیها ، درک کننده ها و گروه های دوعضوی دریافت کننده هدف وابسته هستند تا مشخص نمایند چه زمانی و چگونه این پروسه های ادراکی با دیگری وابسته می باشند. بسیار ساده است تا ببینیم چگونه دقت و شباهت فرضی در میان ویژگی ها ، از رابطه معکوس برخوردارند. به بحث اکتشافی مبتنی بر خویشتن توجه نمایید که استدلال می کند که درک کننده ها از اطلاعات در مورد خویش تا " شرح دادن شکاف ها " در زمان کمبود اطلاعات استفاده می کنند (Ready, Clark, Watson & Westerhouse, 2002). بویژه ، ویژگی هایی مثل روان رنجور خویی که کمتر قابل لمس می باشند ، تمایل دارند تا با شباهت فرضی بیشتری دیده شوند در حالی که ویژگی های قابل لمس تر مثل برونگرایی با شباهت فرضی کمتری دیده می شوند (واتسون و همکاران ، ۲۰۰۰). در حالت عکس ، ویژگی هایی که کمتر قابل لمس می باشند ، با دقت کمتری دیده می شوند (برای مثال جان و رایبزن ، ۱۹۹۳). علاوه بر این اطلاعات بیشتر به طور کلی با شباهت فرضی کمتر (برای مثال بیر و واتسون ، ۲۰۰۸) و دقت بیشتر (برای مثال بیر و واتسون ، ۲۰۱۰؛ بیزانس ف وست و میلووی ف ۲۰۰۷) ربط دارند. همینطور ، طبیعی به نظر می رسد که دقت و شباهت فرضی ، دارای رابطه معکوس می باشند. آیا این رابطه ضرورتاً منتج می گردد که رابطه معکوس بین دقت و شباهت فرضی در بین ویژگی ها مشاهده شده است ، همچنین آیا در بین درک کننده ها و گروه های دو عضوی اتفاق خواهد افتاد؟ پاسخ منفی می باشد ، زیرا آنچه در سطح انبوه اتفاق می افتد ، ضرورتاً منعکس کننده آن چیزی نیست که در سطح فردی رخ می دهد (برای مثال ، سفسطه بوم شناختی). بعلاوه ، دقت و شباهت فرضی به طور تئوریک در برداشت شخصیت از همدیگر مستقل هستند (برای مثال کنی و اکیلتلی ، ۲۰۰۱). از اینرو ، از نظر تئوریک برای مردم امکانپذیر است تا به طور همزمان به دقت همدیگر را ببینند . مطالعه پیشرو ، رابطه بین دقت ممتاز و شباهت فرضی ممتاز را در برداشت اول شخصیت می سنجد. بطور وسیع ، دقت در امتداد با مدل دقت واقع گرایانه فاندنر (RAM 1999) تعریف می شود ، قضاوت در این مدل دقیق به نظر می رسد اگر معیار های واقع گرایانه را برای آنچه به هدف شبیه است مثل خود سنجی هدف از شخصیت اش ، را ترسیم نماید. دقت ممتاز بویژه به درک ویژگی های منحصر به فرد هدف مشخص اشاره می کند. ما برای برآورد دقت ممتاز بایستی دقت هنجاری یا توافق به منظور شباهت هدف و برداشت دریافت کننده با شخص میانگین را کنترل نماییم (بیزانس ، ۲۰۱۰ ، کروناخ ، ۱۹۹۵ ، فور ۲۰۰۸). سپس دقت ممتاز تا حدی را منعکس می نماید که دریافت کننده درک می کند که آیا شخص نسبت به شخص میانگین و نسبت به اهداف دیگر ، بالاتر یا پایین تر از دامنه صفات می باشد یا خیر (بیزانس و هومان ۲۰۱۰ ، هومان و بیزانس ، ۲۰۱۱). معمولاً ، شباهت فرضی به دریافت ویژگی های یک فرد در دیگران اشاره می کند (برای مثال آلپورت ۱۹۲۴ ؛ کروناخ ، ۱۹۵۵). شباهت فرضی ممتاز به طور صریح به نگرستن طرح یابی منحصر به فرد خود فرد از ویژگی ها در دیگران اشاره دارد (هومان و بیزانس ریا ، ۲۰۱۱). یعنی اگر یک فرد نسبت به اکثر مردم تودارتر و مرتب تر باشد ، آنها دیگران را به عنوان دارنده آن الگوهای منحصر به فرد یکسان درک خواهند کرد. ما یک بار دیگر در سنجش شباهت فرضی ممتاز برای آنچیزی کنترل می شویم که به فرد میانگین شباهت دارد و بر حدی تمرکز می کنیم که دریافت کننده فرض می کند دیگران یک سری صفاتی را به اشتراک می گذارند که دریافت کننده را از دیگران ممتاز می سازد (کروناخ ۱۹۹۵). همچنین ما برای شباهت واقعی کنترل می کنیم (برای مثال کنی و اسیتلی ، ۲۰۰۱) زیرا اگر یک هدف به طور واقعی یک طرح یابی مشابه صفات را برای دریافت کننده دارد ، سپس شباهت فرضی در حقیقت می توانست به دقت مورد بررسی قرار گیرد . از اینرو ، شباهت فرضی ممتاز ، گرایش طرفدارانه برای دیدن دیگران به عنوان دارنده صفات منحصر به فرد ممتاز شده خود هر فرد است - صفاتی که دریافت کننده را از شخص میانگین و اهداف خاص دریافت شده متفاوت می سازد. ما به دلیل سادگی برای یادآوری نوشته فعلی از اصطلاحاتی مثل " دقت ممتاز " و "دقت " و "شباهت فرضی ممتاز " و شباهت فرضی استفاده می کنیم. هرچند ، دقت کامل مستلزم شباهت فرضی صفر، در سطوح متوسط واقع گرایانه تر دقت و شباهت فرضی می باشد ، این پروسه ها ممکن است همزیستی داشته باشند. برای مثال ، در صورتی که دریافت کننده بسیار بیشتر تودار و تا حدی مرتب تر از مردم باشد ، او ممکن است دیگران را در این صفات نسبت به آنچه آنها به طور واقعی هستند ، بسیار بالاتر بسنجد. بهر حال ، دریافت کننده برخلاف خویشتن ممکن است آن را برگزیند ، هدف مرتب بودن است و نه تودار بودن و از اینرو هدف را دسته بندی می کنند . در اینجا سند اولیه وجود دارد که دقت و شباهت فرضی دارای رابطه منفی در میان گروه های دو عضوی و درک کننده ها نیستند. برای مثال ، شرکای رمانتیک می توانند به طور همزمان ، شرکای اشان را به طور دقیق و شباهت فرضی نگاه کنند (کنی و آسیتلی ، ۲۰۰۱) و هر دو با ارضاء رابطه ربط دارند (لثو و اسنایدر ، ۲۰۰۹). بعلاوه ، در برآورد های اول ، تفاوت های فردی در شباهت فرضی و دقت در میان درک کننده ها غیر مرتبط هستند (هومان و بیزانس ، ۲۰۱۱). در نتیجه ، هیچ یک از این مطالعه ها به طور همزمان نمی سنجند که آیا دقت و شباهت فرضی رابطه منفی مسلم میان صفات را در رابطه با این الگوی مستقل میان درک کننده ها و گروه های دوعضوی

نشان می دهند یا خیر. در نتیجه، در مطالعه ویدیویی مقیاس بزرگ مشتمل بر ۸۰۰۰ برداشت، ما سنجدیم که آیا دقت و شباهت فرضی ممتاز به طور منفی در میان صفات هستند یا خیر در حالی که به طور همزمان در میان درک کننده ها و گروه های دو عضوی مستقل بودند.

روش

شرکت کنندگان

مجموع ۱۱۵۷ دانشجوی لیسانس دانشگاه ویسکانسیس (۷۶۷ دختر، ۳۸۸ مرد و ۲ نفر با جنسیت نامشخص) در تبادل اعتبار دوره نسی شرکت کردند.

رویه و سنجش ها

شرکت کنندگان در گروه های کوچک، کلیپ های ویدیویی پنج دقیقه ای هفت هدف را در کامپیوترهای شخصی دیدند. شرکت کنندگان به طور خصوصی، شخصیت هر هدف را در ۴۴ آیتم فهرست موجودی بیگ فایو (Big Five) با استفاده یک مقیاس از یک (قویاً ناموافق) تا ۹ (قویاً موافق) دسته بندی می کنند. ویدیو های هدف از مجموعه ای از فیلم های ۱۴ دختر دستیار تحقیق لیسانس از دانشگاه ویسکانسیس ترسیم می شوند که به یک سری پرسش های آشنا شده پاسخ می دهند مثل رشته اصلی شما چیست؟ و از کجا هستید؟ آزمایشگر یکسان به عنوان مصاحبه گر در تمامی کلیپ های ویدیویی کار کردند.

تکنیک تحلیلی داده ها

ما با سنجش رابطه بین دقت ممتاز و شباهت فرضی، مدل چند سطحی استفاده کننده پکیج R lme 4 را به همراه رویه های مدل سازی دقت اجتماعی برآورد کردیم که توسط بیژانس طرح ریزی گردید (۲۰۱۰)، برای مثال های تجربی و جزئیات بیشتر در تخمین به مطالعه بیژانس وهومان ۲۰۱۰؛ هومان و بیژانس، ۲۰۱۱ (مراجعه نمایید). به ویژه، درون بخش درک کننده مدل (سطح یک)، دسته بندی های دریافت کننده از هر هدف در هر آیتم به طور همزمان از موارد زیر ترسیم شده است که عبارتند از: ۱- خود سنجی های هدف در هر آیتم، ۲- خود سنجی های دریافت کننده در هر آیتم و ۳- خودسنجی میانگین در هر آیتم مبنی بر نمونه ۱۱۵۷ دانشجوی لیسانس از افرادی شبیه هم (دریافت کننده های ما). آیتم ها قبل از تحلیل به طور معکوس کد گذاری نشده اند. رابطه بین میانگین های هر آیتم و دسته بندی های دریافت کننده منعکس کننده دقت هنجاری می باشند - چگونه دسته بندی های دریافت کننده به خوبی برای پروفایل های شخصیت خودسنجی ممتاز هدف ترسیم می شود. از طریق ناتمام گذاشتن خودسنجی متوسط هر آیتم و خودسنجی هدف برای هر آیتم، رابطه بین خودسنجی های دریافت کننده و دسته بندی های دریافت کننده، شباهت فرضی ممتاز را منعکس می سازد - تا حدی که دسته بندی دریافت کننده برای پروفایل های شخصیت خودسنجی ممتاز دریافت کننده، ترسیم می شود. برای سنجش رابطه بین دقت ممتاز و شباهت فرضی در میان صفات، ما به طور مجزاً، توافق خود - نوع دیگر و شباهت فرضی را برای هر آیتم تحلیل می کنیم. یعنی، ما می سنجمیم که چگونه خودسنجی های هدف و خودسنجی های دریافت کننده به خوبی دسته بندی های دریافت کننده از اهداف را در آیتم "منازعات را با دیگران شروع نمایید"، را پیش بینی می نمایند. سپس دقت ممتاز و ضرایب واپسروی غیر استاندارد شده شباهت فرضی تودار و با یکدیگر همبسته می شوند تا رابطه اشان را در میان صفات مشخص نمایند. از اینرو، ما می توانیم بسنجیم که آیا صفاتی که برای آنها در اینجا دقت ممتاز تری وجود دارد، همچنین صفاتی هم وجود دارند که در اینجا شباهت فرضی کمتری دارند. ما برای سنجدین رابطه بین دقت ممتاز و شباهت فرضی میان درک کننده ها، رابطه بین تفاوت های انفرادی در این گرایش ها، به طور میانگین در میان صفات و میان اهداف را سنجدیم. میزان تفاوت های فردی در دقت ممتاز و شباهت فرضی ممتاز از طریق سنجدین تصادفی اثرات و یا میزان تغییر پذیری قابل اطمینان معلول دریافت کننده های پیرامون سطوح میانی دقت و شباهت فرضی به طور مستقیم برآورد می گردند. اینها همانند انحرافات استاندارد تاثیر تصادفی برآورد شده در میان درک کننده ها گزارش می شوند. سپس، رابطه بین دقت ممتاز و شباهت فرضی را می توان از طریق سنجدین رابطه میان این تاثیرات تصادفی برآورد نمود. یعنی، آیا یک فرد برای نگرستن دیگران با شباهت فرضی دارای توانایی کلی می باشد؟ در حالت مشابه، تغییر پذیری در گرایش ها برای دیدن افراد خاص با دقت و شباهت فرضی یا تاثیرات تصادفی می تواند با برآوردها تا گستره ای همبسته باشند که دقت و شباهت فرضی در برداشت های هدف خاص مرتبط هستند. چون اینها، متغیر های نهفته می باشند، اهمیت تفاوت های فردی و همبستگی ها میان آنها با نسبت های درست نمایی محاسبه می شوند (هاکس، ۲۰۱۰). از اینرو، مدل دقت واقع گرایانه برای برآورد مستقیم میزان متغیر پذیری در هر یک از این گرایش ها در میان درک کننده ها و گروه های دوتایی پیش بینی می شود و همچنین به یک فرد اجازه می دهد تا بسنجد چگونه این گرایش ها در هر سطح با یکدیگر مرتبط هستند.

نتایج

سطوح شباهت فرضی و دقت



رویهم رفته ، شرکت کنندگان ، سطوح قابل ملاحظه ای از دقت ممتاز $b = .21, z = 71.39, p < .0001$ ، شباهت فرضی ممتاز
مشخص نمود که درک کننده ها قادر بودند تا ویژگی های منحصر به فرد هدف را بردارند. در حالی که تا گستره کمتری ، همچنین درک کننده ها مشخصه های
منحصر به فرد خودشان را به دیگران نسبت می دهند. دقت هنجاری ، کاملاً ذاتی بود و مشخص نمود که دریافت کنندگان ، اهداف میانگین را مشابه فرد میانگین
دیدند ، همانطور که انتظار می رفت. شکل ۱: رابطه بین دقت و شباهت فرضی در میان صفات (نمودار A) و به عنوان تابعی از میانگین خود سنجی . در نمودار
B ، شباهت فرضی ممتاز در محور چپ قرار دارد و منحنی های آیتام انفرادی با دایره های توخالی مشخص شده اند در حالی که توافق خود دیگر ممتاز در محور
راست بوده و منحنی های فردی با دایره های پر مشخص می شوند.

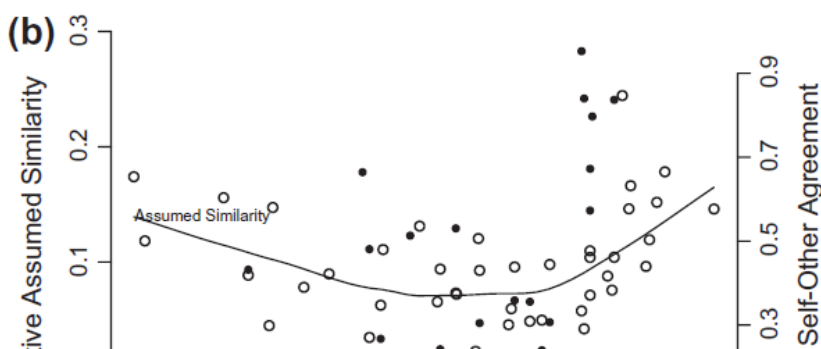
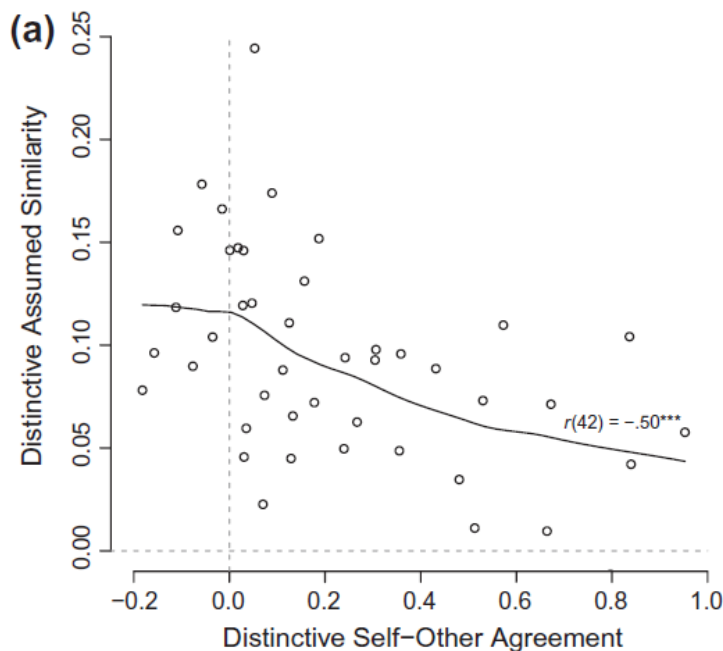
درمیان تحلیل های صفت

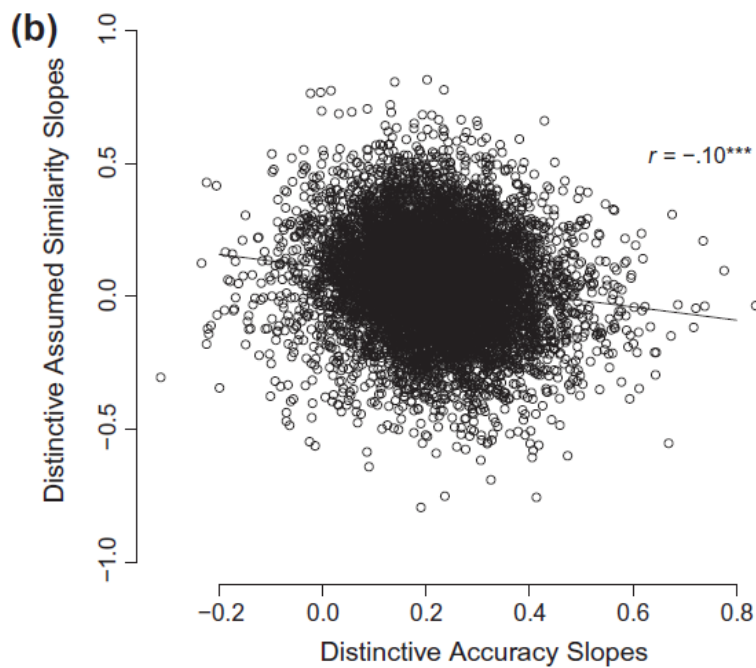
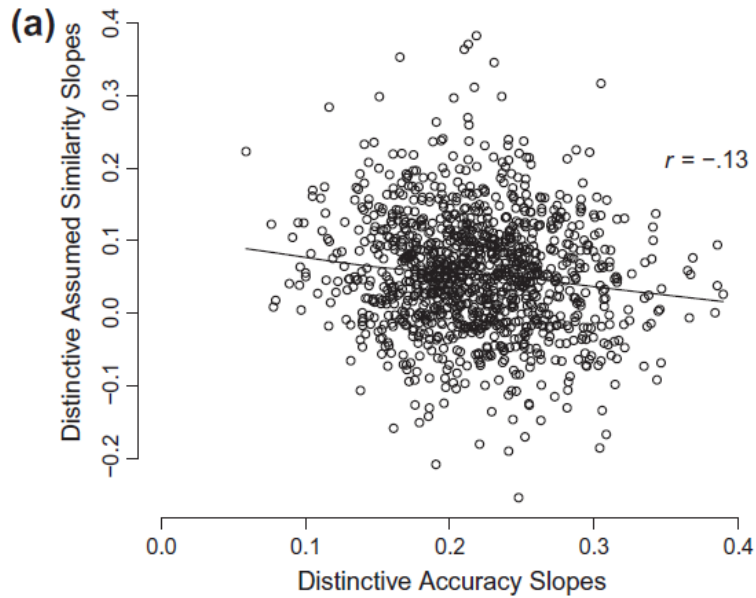
دقت ممتاز و شباهت فرضی در زمانی که به طور مجزاء برای هر ویژگی سنجیده می شوند ، دارای رابطه منفی بودند
 $r = -.50, p < .001$ (به شکل یک نمودار A مراجعه نمایید). بطور قابل توجه ، دقت و شباهت فرضی ، رابطه منحنی شکل با میانگین خود سنجی هر ویژگی را نشان داده است که شاخص هنجاری بودن هر ویژگی را ارایه میکند ، این جور که صفات بی نهایت هنجاری و غیر هنجاری با شباهت فرضی بالاتر و دقت کمتر مشاهده شدند در حالی که صفات هنجاری با اعتدال ، با دقت بالاتر و شباهت فرضی کمتر دیده می شوند.

در میان تحلیل های دریافت کننده و گروه دوتایی

روی هم رفته ، در اینجا تفاوت های فردی مهم اما تا حدی معتدل در شباهت فرضی ممتاز دریافت کننده $\hat{\tau} = .08$ و دقت ممتاز $\hat{\tau} = .05$ وجود داشتند که نشان دهنده میزانی از تغییر پذیری در گرایش برای دیدن دیگران عین خود و در توانایی برای تشخیص ویژگی های منحصر به فرد دیگران یا در بودن یک قضاوت خوب می باشند.

در سطح دو تایی ، در اینجا سطوح بزرگ تری از تغییر پذیری منحصر به فرد قابل اطمینان در شباهت فرضی ممتاز $\hat{\tau} = .20$ و دقت ممتاز وجود داشتند. شکل ۲- رابطه بین دقت و شباهت فرضی در میان درک کننده هابه طور میانگین در میان هفت هدف (نمودار A) و در سطح منحصر به فرد دوتایی بعد از کنترل برای دریافت کننده و تاثیرات اصلی هدف





همانطور که یاد آوری گردید ، شباهت فرضی ممتاز و دقت ممتاز بین درک کننده ها، بسیار اندک و به طور نامشخصی دارای رابطه منفی بودند . از اینرو ، علی رغم رابطه معکوس قوی بین صفات ، عمدتاً دقت و شباهت فرضی در میان دریافت کنندگان مستقل بودند. الگوی $r = -.13, ns$

مشابهی برای رابطه بین سطوح منحصر به فرد دوتایی برای شباهت فرضی ممتاز و دقت ممتاز پدید آمدند ، $r = -.10$. هر چند این همبستگی مهم است ، این احتمالاً تابعی از قدرت آماری بالا در تحلیل می باشد. علاوه بر این ، مقدار جزئی این همبستگی از تفسیری پشتیبانی می کند که در ظاهر ، دقت ممتاز در میان درک کننده ها و گروهای دوتایی با شباهت فرضی ممتاز نامرتبط بودند.

بحث و تبادل نظر کلی

روپهم رفته ، دقت و شباهت فرضی ، ارتباطات تشخیص دهنده با همدیگر را در زمانی نشان می دهند که در میان صفات ، درک کننده ها و گروه های دوتایی برآورد شدند. در راستای تحقیق قبلی (بیر و واتسون ، ۲۰۰۸ ؛ واتسون و همکاران ، ۲۰۰۰) ، دقت و شباهت فرضی در میان صفات از رابطه به شدت منفی برخوردار بودند. یعنی ، در زمان دسته بندی یک ویژگی خاص ، اگر دقت به سمت بالا بودن گرایش دارد ، شباهت فرضی کم می باشد و برعکس. در قیاس ، اصولاً دقت ممتاز با شباهت فرضی در میان درک کننده ها و گروه های دوتایی نامرتب بود. این سندی مطمئن و مستقیم تر است که دقت و طرفداری می توانند از همدیگر جدا باشند (برای مثال کنی و اسیتلی ، ۲۰۰۱) . مخصوصاً ، در صورتی که یک فرد به طور کلی به دیگران همانند خودش نگاه کند ، این بدان معنی نیست که این فرد به طور کلی قادر به درک دقیق دیگران نیست. اگر یک نفر ، فرد خاص دیگری را بسیار شبیه خودش ببیند ، شاید حتی وادار کننده تر باشد ، آنها ضرورتاً آن فرد را با دقت کمتری نخواهند دید.

دقت و شباهت فرضی در میان درک کننده ها و گروه های دو عضوی

در اصل ، رابطه مستقل بین دقت و شباهت فرضی میان درک کننده ها و گروه های دو عضوی دارای پیچیدگی هایی برای این موضوع می باشد که چگونه ما هر یک از این پروسه ها را تصور کنیم. به ویژه ، مگر این که شباهت فرضی کامل است (درک کننده به هدف همانند خودش می نگرد) ، شباهت فرضی را نمی توان همانند بی دقتی تفسیر نمود. در حالت مشابه ، شکل دادن یک برداشت تقریباً دقیق بدین معنی نمی باشد که عاری از تمامی طرفداری ها می باشد. در عوض ، هر کسی بایستی به طور انفرادی هر یک از این پروسه ها را بسجد تا شیوع آنها را مشخص نماید و زیر بندی سببی و نتایج بین فردی آنها را درک نمایند. برای مثال ، شباهت فرضی ونه دقت ممتاز ، در برداشت های اول با تعدیل روانشناسی بزرگ تر مرتبط می باشد در حالی که هر دو اینها با ارضاء رابطه در برداشت اول و روابط رمانتیک مرتبط هستند. از اینرو ، شباهت فرضی و دقت ممکن است در روابط اشان با دیگر متغیر ها همگرا یا واگرا باشند و هر دو ممکن است پیامد های بین فردی تطبیق پذیر داشته باشند.

دقت و شباهت فرضی در میان صفات

سنجش رابطه بین دقت و شباهت فرضی در سطح ویژگی ، آشکار نمود که روابط معکوس آنها تابعی از هنجاری بودن ویژگی بود. مخصوصاً ، صفات بی نهایت هنجاری و غیر هنجاری با دقت کمتر لکن با شباهت فرضی بیشتری دیده می شوند. با در نظر گرفتن این که هنجاری بودن و درجه تمایل اجتماعی تا حد بالایی به هم ربط دارند ، این با یافته جان و رابینز (۱۹۹۳) سازگار است که توافق خویشتن-دیگری در این صفات کمتر است (همچنین به وازایر ف ۲۰۱۰ مراجعه نمایید). بعلاوه ، این شباهت فرضی بزرگ تر در صفات ارزیابانه تر با علت های انگیزشی شباهت فرضی سازگار است. برای مثال ، آلپورت (۱۹۲۴) استدلال نمود که شباهت فرضی ، روشی برای صحنه گذاری خویشتن است : دیدن صفات یک نفر در دیگران ، روشی برای توجیه آن صفات در خویشتن است. آن منتج به این می گردد که درک کننده ها ممکن است بیشتر تشویق شوند تا صفات بی نهایت پسندیده و غیر پسندیده در دیگران را ببینند ، زیرا احتمالاً اینها برای خود انگاره ، مهم تر هستند و در نتیجه صحنه گذاری را دریافت می کنند. در نتیجه ، این روابط همراه با هنجاری بودن ویژگی ممکن است دارای تفسیر جایگزین باشند. برای مثال ، بحث اکتشافی مبتنی بر خویشتن (ردی و همکاران ، ۲۰۰۰) ، اطلاعات را به عنوان توضیحی برای رابطه معکوس بین دقت و شباهت فرضی پیشنهاد می کند: اطلاعات بیشتر با دقت بزرگ تر و شباهت فرضی کمتر مرتبط است. شاید هنجاری بودن می توانست به عنوان پروکسی (جایگزین) برای اطلاعات مورد توجه قرار گیرد: درک کننده ها ممکن است اطلاعات کمتری در صفات بسیار هنجاری و غیر هنجاری داشته باشند. علاوه بر این ، صفات بسیار هنجاری یا پسندیده بایستی در برداشت های اول از بسامد یا نرخ طرفداری بسیار بالا برخوردار باشند (برای مثال اکثر مردم در عملیات اولیه صمیمی و پرچانه به نظر خواهند رسید) و اطلاعات ممتاز شده جزئی را برای درک کننده ها برای شکل دادن برداشت های دقیق در مورد این صفات باقی می گذارند. به همین نحو ، صفات بی نهایت غیر هنجاری یا نامطلوب بایستی بسامد بسیار کمی در برداشت های اول داشته باشند (برای مثال مردم کمی ستیزه جو و گستاخ خواهند بود) ، بار دیگر اطلاعات کمی در مورد این صفات ممتاز برای درک کننده ها باقی می گذارند. در هر دو مورد ، درک کننده ها ممکن است نیاز داشته باشند تا شکاف ها را با اعتبار خودشان در این صفات برطرف نمایند. در قیاس ، درک کننده ها ممکن است اطلاعات بیشتری در صفات نسبتاً هنجاری یا غیر ارزیابانه داشته باشند (برای مثال "سازماندهی شده است ") ، زیرا مردم ممکن است با آشکار ساختن اطلاعات ممتاز تر در این صفات راحت تر باشند. در عوض ، درک کننده ها بایستی قادر باشند تا برداشت های دقیق تری از این صفات داشته باشند و شباهت کمتری از آنها را فرض نمایند. از اینرو ، بجای کم دقت تر بودن در صفات

ارزیابانه تر، همانجور که جان و رابینز (۱۹۹۳) پیشنهاد می کنند، شاید دیگران در مورد این صفات کم دقت تر هستند زیرا آنها اطلاعات کمتری در مورد آنها دارند. آشکارا، پژوهش بیشتر برای حل نمودن علل اساسی برای رابطه منفی بین دقت و شباهت فرضی در برداشت های صفات مورد نیاز می باشد.

نتیجه گیری

در مجموع، دقت و شباهت فرضی در واقع به طور منفی در میان صفات رابطه دارند: اگر دقت برای یک ویژگی مشخص بالا است، شباهت فرضی تمایل دارد تا کم باشد. در قیاس، اصولاً دقت و شباهت فرضی در میان درک کنندگان و گروه های دوتایی مستقل هستند؛ هر کسی می تواند به طور همزمان دقیق باشد و شباهت را با دیگران فرض می کند. این استقلال، فرصت را برای فرد دیگری ایجاد می کند تا به طور آزادانه نسبت به دیگری عمل کند - یک نفر نیاز ندارد تا شباهت را عین عدم دقت فرض نماید، ضرورتاً هیچ یک برداشت های دقیق، عاری از طرفداری نیستند.

منابع و مراجع

1. allport, f. m. (1924). social psychology. new york: houghton mifflin.
2. beer, a., & watson, d. (2008). personality judgment at zero acquaintance. agreement, assumed similarity, and implicit simplicity. journal of personality assessment, 90, 250-260.
3. beer, a., & watson, d. (2010). the effects of information and exposure on self-other agreement. journal of research in personality, 44, 38-45.
4. biasanz, j. c. (2010). the social accuracy model of interpersonal perception: assessing individual differences in perceptive and expressive accuracy. multivariate behavioral research, 45, 853-885.
5. biasanz, j. c., & human, l. j. (2010). the cost of forming more accurate impressions: accuracy-motivated perceivers see the personality of others more distinctively but less normatively than perceivers without an explicit goal. Psychological science, 21, 589-594.
6. biasanz, j. c., west, s. g., & millevoi, a. (2007). what do you learn about someone over time? the relationship between length of acquaintance and consensus and self-other agreement in judgments of personality. journal of personality and social psychology, 92, 119-135.
7. borkenau, p., & zaltauskas, k. (2009). effects of self-enhancement on agreement on personality profiles. European journal of personality, 23, 107-123.
8. chan, m., rogers, k. h., parisotto, k. l., & biasanz, j. c. (2011). forming first impressions: the role of gender and normative accuracy in personality perception. journal of research in personality, 45, 117-120.
9. cronbach, l. j. (1955). processes affecting scores on "understanding of others" and "assumed similarity". psychological bulletin, 53, 177-193.
10. funder, d. c. (1999). personality judgment: a realistic approach to personality perception. san diego, london: academic.
11. furr, r. m. (2008). a framework for profile similarity: integrating similarity, normativeness, and distinctiveness. Journal of personality, 76, 1267-1316.
12. hox, j. j. (2010). multilevel analysis: techniques and applications (2nd ed.). new york, ny: routledge.
13. human, l. j., & biasanz, j. c. (2011). through the looking glass clearly: accuracy and assumed similarity in well adjusted individuals' first impressions. journal of personality and social psychology, 100, 349-364.
14. john, o. p., & robins, r. w. (1993). determinants of interjudge agreement on personality traits: the big five domains, observability, evaluativeness, and the unique perspective of the self. journal of personality, 61, 521-551 (special issue).
15. john, o. p., & srivastava, s. (1999). the big five trait taxonomy: history, measurement, and theoretical perspectives. in l. a. pervin & o. p. john (eds.), handbook of personality: theory and research (2nd ed., pp. 102-138). new york: guilford.
16. kenny, d. a., & acitelli, l. k. (2001). accuracy and bias in the perception of the partner in a close relationship. journal of personality and social psychology, 80, 439-448.
17. luo, s., & snider, a. g. (2009). accuracy and biases in newlyweds' perceptions of each other: not mutually exclusive but mutually beneficial. Psychological science, 20, 1332-1339.
18. ready, r. e., clark, l. a., watson, d., & westerhouse, k. (2000). self- and peerreported personality: agreement, trait rateability, and the "self-based heuristic". journal of research in personality, 34, 208-224.
19. vazire, s. (2010). who knows what about a person? the self-other knowledge asymmetry (soka) model. journal of personality and social psychology, 98, 281-300.
20. watson, d., hubbard, b., & wiese, d. (2000). self-other agreement in personality and affectivity: the role of acquaintanceship, trait visibility, and assumed similarity. journal of personality and social psychology, 78, 546-558.